

سهام بیش‌تری از تولید را به جیب می‌زنند عید، رکن چهارم و کارگران

گزارش

عزیزه شاهمرادی

۱۸ اسفند برابر با ۸ مارس روز جهانی زن، هزاران کارگر زن و مرد در مقابل مجلس، در اعتراض به تصویب طرح خروج کارگاه‌های کم‌تر از پنج نفر از شمول قانون کار توسط مجلس و تأیید شورای نگهبان، تجمع کرده بودند.

پیشنهاددهندگان این طرح، در اواخر نیمه اول سال ۷۷ در پی معافیت کارگاه‌های کم‌تر از ده نفر از شمول قانون کار بودند که با اعتراضات شدید کارگران مواجه شدند. کارگران معترض در مقابل اتاق بازرگانی تجمع کردند. از این رو در نیمه دوم سال ۷۷، طرح به صورت معافیت کارگاه‌های کم‌تر از سه نفر از شمول قانون کار ارایه شد و در سیام فروردین ماه سال ۷۸ مجلس طرح یک فوریت اصلاح قانون کار مبنی بر خروج کارگاه‌های کم‌تر از سه نفر از شمول قانون کار را تصویب نمود که بار دیگر اعتراضات کارگری را به دنبال داشت.

وسیع‌ترین اعتراض علیه این طرح در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر سال ۷۸ انجام شد. اجتماع گسترده کارگران در میدان بهارستان همراه با شعارهایی از قبیل سرمنشأ بیکاری، اتاق بازرگانی! اتاق بازرگانی! اصلاح باید گردد، تفکر بازاری ناپود باید گردد... - کجا، کارگر را رها کن اعتراض خوش را بر علیه این طرح ابراز نمودند. مجلس، طرح را به مدت شش ماه سکوت گذاشت و سرانجام در ۸ اسفند ۷۸ این طرح توسط مجلس به صورت معافیت کارگاه‌های کم‌تر از پنج نفر از شمول قانون کار تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید. بار دیگر در مراسم کشور، کارگران اقدام به اعتراض بر علیه این طرح نمودند و در ۱۸ اسفند، در مقابل مجلس تجمع کردند.

ایستای میدان حر تا تقاطع ولیعصر تحت نظارت و کنترل نیروهای اوتیومودار و لباس شخصی نیروی انتظامی بود. کارگران دهها واحد تولیدی از شهرهای یزد، مهاباد، طبرستان، کاشان، قزوین، تبریز، تهران و ... در محل حضور داشتند. بر پلاکاردهای پارچه‌ای در دستشان، نوشته شده بودند خروج کارگاه‌های زیر نقر، نظام نوین برده‌داری! افزایش حقوق مطابق با سطح تورم؛ اعتصاب اعتصاب و ... پس از سخنان صادقی رئیس کانون عالی شوراها، اسامی کار مبنی بر اقدامات

بعدی در صورت عدم لغو مصوبه مجلس، کارگران یکسارچه فریاد زدند **اعتصاب، اعتصاب**، مغازه‌داران سمت جنوب خیابان با شنیدن صدای کارگران از مغازه‌ها بیرون آمده و در حالی که نگاهشان به سوی اجتماع کارگران بودند مشغول صحبت شدند. در هر گوشه‌ی، تعدادی از کارگران زن و مرد مشغول بحث و گفتگو بودند. عده‌ی بی‌سنگ‌های کنار خیابان و برخی بر چمن‌های پیاده‌رو نشسته بودند.

شهرودنی که گویا از خرید عید بازگشته بود، پرسید: «چه خبر شده؟» کارگری جلو آمد و گفت: «هیچی آقا، آن شیرینی‌ها (با اشاره به جعبه‌های شیرینی در دست وی) و کفش و لباسی که برای زن و بچه‌ها می‌خری همه را ما تولید می‌کنیم اما خودمان شب عیدی از روی زن و بچه‌مان شرمندایم چون توان تهیه آن را نداریم، ماه‌هاست که دخترم با کفش سوخته به مدرسه می‌رود، پسر بزرگم مجبور به ترک تحصیل شده، الان در یک مغازه شاگردی می‌کنم» کارگر زنی جلو آمد و گفت: «من و چهار تا بچه‌ام در یک اتاق مسأجریم، اخراج شدم و صاحبخانه ماه‌هاست که مرا جواب کرده، هر روز جنگ اعصاب دارم و نفر اول چنین اننامه داد: «به، این جمعیت را که می‌بینی این‌جا، یا خیلی‌هاشان ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند و خیلی‌ها هم اخراج شده و بیکار هستند. توی این اوضاع و احوال مجلس هم نمک بر زخم‌مان پاشیده. به جای این‌که مشکلات ما را حل کنند بر مشکلاتمان اضافه می‌کنند. طرحی تصویب شده که کارفرما خیلی راحت می‌تواند از دادن آن چند نفر از مزایا و حقوق‌شان خالی کند اگر هم حرف بزنیم اخراج می‌شویم. این طرح ما را بدبخت‌تر خواهد کرد. ما در اعتراض به این طرح، این‌جا تجمع شدیم.» آن شهروند که با دقت به صحبت کارگران گوش می‌کرد، ضمن اظهار همدردی و این‌که نه! سب عیدی انصاف نیست از کنار جمعیت گذشت. دوربین فیلمبردار در حال تهیه فیلم از تجمع بود. به میان جمع رفته و از خواسته‌ها و مشکلاتشان سؤال کرد.

مسائل و مشکلات کارگران

قراردادهای موقت کار، قطع مزایا و عدم رعایت بهداشت محیط کار، اضافه‌کاری اجباری ۱۸۰ کارگر

واحد تولیدی (تولیدکننده قفل بیکان) که گویا دسته جمعی اخراج شده بودند، در جمع حضور داشتند. از این تعداد که صد نفرشان زن بودند، نور هم جمع شده و به اجرای قرارداد موقت و اخراج‌شان اعتراض داشتند. یکی از کارگران زن این واحد می‌گفت: «دویمه هفتم و سه سال است که استخدام شدیم، یک سال استخدام رسمی بودیم. الان می‌گویند که باید از شرکت تسویه بگیریم یا با قرارداد شش ماهه موافقت کنی، کل مزایا را قطع کرده‌اند که البته از اول هم درست نمی‌دادند. برای بهداشت صحبت کردیم، ناهارخوری شرکت خیلی کوچک بود معذرت می‌خواهم عین طویله، وقتی اعتراض کردیم گفتند: باید برود بیرون، (با اشاره به دو همکارش) این دو خانم هم اخراج شده‌اند دیگرم می‌گویند: «از صبح ساعت ۸ تا ۷ بعدازظهر کار می‌کنیم اضافه‌کاری اجباری می‌دهند. من بچه کوچک دارم که می‌گذرشم مهد کودک اما بعد از ساعت ۷ کسی نیست از او نگهداری کنند، به همین دلیل من اضافه‌کاری را نپذیرفتم گفتند: «اخری...» کارگر زن دیگری از میان همین جمع با زحمت خود را به جلو می‌کشاند و چنین می‌گوید: «تکلیف بچه‌های یتیم من چیست؟ شرکت اخراجم کرده است، من سرپرست خانواده هستم، چه کسی باید پاسخگو باشد؟ چرا به درد ما نمی‌رسند؟ چرا کسی به مشکلات ما توجهی ندارد»

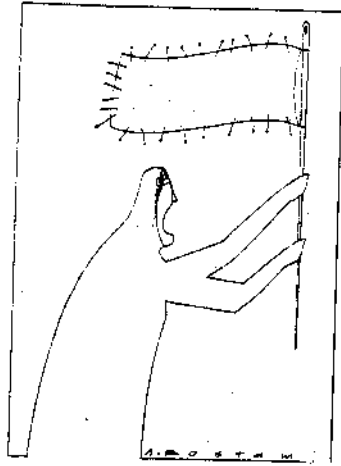
و آن دیگری می‌گوید: «کارگران زن، مشکلات خاصی دارند مثلاً مرخصی زایمان، فقط یکبار مرخصی می‌دهند، اگر دو بار حامله شویم دیگر مرخصی نمی‌دهند. این مشکل مربوط به زنان است» یکی از کارگران مرد همین واحد تولیدی می‌گوید: «من پنج سال سابقه کار دارم همین قراردادهای موقت که قبلاً یک ساله بسته می‌شده است، الان به صورت ۸۹ هفته قرارداد می‌بندند ما به طور کلی به اجرای قرارداد موقت اعتراض داریم.» قراردادهای موقت کار به دنبال بخشنامه‌یی که در اسفند ۷۳، توسط وزارت کار صادر شده اکنون جنبه قانونی پیدا کرده است! این بخشنامه، موجب شده تا صاحبان واحدهای تولیدی کارگران رسمی را به طور دسته جمعی با فردی، به بیانه‌های مختلف اخراج نموده و آنان را وادار به پذیرش قرارداد موقت نمایند. در واقع صاحبان واحدهای تولیدی با اجرای

این بخشنامه، با یک تیر دو نشان می‌زنند. از یک سو، با کاهش هزینه تولید از طریق عدم پرداخت مزایای کارگر رسمی از قبیل (حق تاهل، حق مسکن، بن خواربار، هزینه‌ی وقت و آمد، عیدی و...) با فشار برگزیده کارگران سهم بیش تری از سود تولید شده را به جیب می‌زنند و از سوی دیگر، هرگونه حق اعتراضی را از کارگران سلب می‌کنند و آنان را مجبور می‌کنند تا شرایط نامساعد محیط کار و اندک دستمزدی را تحمل کنند که کفاف تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زیستی‌شان را هم نمی‌کند. چرا که اگر بگویند ناهار خوری کوچک و غیر بهداشتی است، اضافه کاری نمی‌خواهیم حکم اخراج در انتظارشان است. عدم امنیت شغلی و اخراج‌های بی‌رویه فشار طاقت‌فرسای بر نیروی کار وارد می‌کند. عمق این فاجعه زمانی قابل درک است که به آمار بیکاران نیز، که روندی صعودی دارد توجه شود.

در استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان، سمنان، یزد، قم، تهران، آذربایجان شرقی نرخ بیکاری افزایشی دو برابر داشته است. به عنوان مثال در کرمانشاه نرخ بیکاری از ۱۷/۴ به ۳۰/۶، در کرمان از ۱۸/۶ به ۳۰/۶، در ایلام از ۱۶/۵ به ۲۷/۸، در خوزستان از ۱۶/۱ به ۲۷/۲، و در کهگیلویه از ۱۴/۷ به ۲۵/۲، رسیده است و نیز، ۹۰٪ کارگران زیر خط فقر هستند. (کار و کارگر - ۷۸/۹/۲۵ و اسفند ۷۸)

این شرایط موجب شده تا صاحبان واحدهای تولیدی برای وادار کردن کارگران به پذیرش هرگونه شرایط استثمار و نیز آرزان‌تر کردن نیروی کار، آزاد بودن در اخراج، هنگام استخدام از آنان چک سفید دریافت کنند. کارگر یکی از واحدهای تولیدی قزوین در این مورد می‌گوید: «الان بیش‌تر استخدام‌ها به صورت قراردادی است همراه با این قرارداد یک برگه تسویه حساب سفید مثل چک سفید جلوی کارگر می‌گذارند و از او امضاء می‌گیرند تا هر لحظه دشان خواست بدون پرداخت هیچ‌گونه حق و حقوقی او را اخراج کنند. در ضمن قراردادهای طوری تنظیم می‌شود که مثلاً ۲۵ اسفند تمام شود تا ۲۵ فروردین کارگر بیکار است و هیچ‌گونه عیدی هم پرداخت نمی‌شود، این مسئله باعث وقفه بین سنوات بیمه هم می‌شود. در این مورد یک سال است که با کارفرما درگیر هستیم. بارها و بارها به اداره‌جات مختلف شکایت کرده‌ایم، به نتیجه نرسیده است. تنها راه همین اعتراض و اعتصاب است.»

اشکال گوناگون استخدامی تحت عنوان رسمی، پیمانی، موقت، روزمزد و... با توجه به خیل بیکاران پشت سدهای بتونی اشتغال، علاوه بر فشار، موجب تضعیف همبستگی و دامن زدن به رقابت بین کارگران می‌شود. یکی از کارگران زن واحد تولیدی تلویزیون می‌گوید: «با توجه به حقوق بسیار کم که کفاف زندگی را نمی‌دهد، یکی از حقه‌بازی‌های کارفرماها وقتی که نمی‌توانند کارگران با سابقه و رسمی را به راحتی اخراج کنند، این است که با



استخدام کارگران موقت، بیش‌ترین کارها را به آن‌ها می‌دهند. مثلاً بخش عمده کار ما مونتازکاری است که در منزل هم می‌توان انجام داد. کارفرما این‌گونه کارها را اکثراً به کارگران موقتی می‌دهند یا پاداش به خاطر بهره‌وری را بیش‌تر به این‌گونه کارگران می‌دهند. به این وسیله آنان از یک طرف با جلب رضایت کارگران موقت می‌خواهند که آن‌ها به وضعیت‌شان اعتراضی نکنند، از طرف دیگر کارگران استخدامی را تشویق به استخدام موقتی کنند، هم چنین این مسئله باعث اختلاف و چند دستگی در شرکت شده است. کارگر بخش فنی ایران ناسیونال می‌گوید: «ما چون پیمانی هستیم، نمی‌توانیم برای گرفتن مزایایی که به رسمی‌ها تعلق می‌گیرد حرف بزنیم یا اعتراض کنیم چرا که حفظ شغل یعنی تن دادن به هر چه کارفرما می‌گوید. همین باعث تفرقه بین کارگران شده است. اکثر کارگران تازه استخدام شده افراد باسواد هستند و بیش‌تر دیپلمه، و مسایل را بهتر متوجه می‌شوند اما چون رسمی نیستند به راحتی آن‌ها را اخراج می‌کنند. به همین خاطر کم‌تر حاضرند اعتراض کنند. می‌گویند: با وضع فعلی اگر اخراجمان کنند چه کنیم؟»

کارگر اخراجی کارخانه آرد ... می‌گوید: «در قسمت فنی این واحد، شش نفر از کارگران را که موقت بودند و تقاضای لباس کرده بودند، اخراج کردند و هیچ‌کس هم توجهی نکرد. خودم به مسئله بیمه نکردن اعتراض داشتم گفتند: یا روزمزد کار کن یا خوش آمدی.»

اخراج کارگران بر اثر از کار افتادگی، در پی عدم رعایت ایمنی در محیط کار از جمله معضلاتی است که هیچ‌گونه توجهی به آن نمی‌شود. کارگری حدوداً ۲۵ الی ۴۰ ساله که یکی از دستانش با چند انگشت قطع شده از کار افتاده است، با چهره‌ی دردآلود و پژمرده و لحنی غمگین چنین می‌گوید: «من کارگر شرکت ... هستم که در دست بخش خصوصی است. این واحد سی نفر پرسنل دارد و من هشت سال سابقه کار داشتم، اما به دلیل از کار افتادگی بیکارم کرده‌اند، در واقع اخراج شده‌ام. دستم در کارخانه زیر دستگاه پرس رفت و آسیب دید. کارفرما گفت:

دست تو دیگر به درد کار کردن نمی‌خورد و اخراجم کرد البته با ۳۵ هزار تومان حقوق از کارافتادگی. حالا با این قیمت‌های سرسام‌آور و مخارج بالای زندگی چه می‌توانم بکنم. هیچ جای دیگری هم به من کار نمی‌دهند. هرچا می‌روم، می‌گویند: تو توان کار نداری!»

آن‌چه که در محیط‌های کار به آن توجه نمی‌شود سلامتی و ایمنی نیروی انسانی است؛ منطق کور حاکم بر روند تولید بر مبنای کسب سود هر چه بیش‌تر، در شرایط کنونی، بر بریت عریان خویش را با کاهش هزینه‌ی تولید جهت تأمین اشتباهی سیری‌ناپذیرش، به قیمت نابودی میلیون‌ها انسان مولد به نمایش گذارده است؛ پی‌آمد طبیعی چنین منطقی غیرضروری بودن وسایل ایمنی و عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار است چرا که توجه به آن، هزینه‌بر است. کارگرانی که با انواع و اقسام سیاست‌های اتخاذ شده از جانب کارفرمایان و صاحبان واحدهای تولیدی همواره با اخراج و بیکاری مواجه‌اند، بهای حفظ شغل را با از دست دادن سلامت و گاهی جان خود می‌پردازند. هرچند پس از پرداخت چنین بهایی که به متلاشی شدن زندگی‌شان منجر می‌شود با دچار شدن به نقص عضو دائمی از گردونه تولید کنار گذاشته می‌شوند و این بار با بیکاری مادام‌العمر روبه‌رو خواهند بود.

یکی از کارگران کارخانه ریسندگی می‌گوید: «این‌ها می‌خواهند کارگر را از صحنه خارج کنند. همه‌ی اساس نظام بر اساس زحمات کارگران است. در کشورهای خارج برای سگ‌شان هم دفترچه بیمه می‌گیرند ولی در ایران سه میلیون کارگر حق بیمه ندارند. آیا کارگران ایرانی کم‌تر از سگ هستند؟»

کارگری دیگری می‌گوید: «مزایا و حق‌الزحمه‌ی که به مناسبت‌ها داده می‌شود اگر چند سال بدهند عرف می‌شود یعنی اگر سه سال در یک کارخانه مزایایی داده شود این قانونی است و باید اجرا شود ولی الان در کارخانه‌ها این مزایا را حذف کرده‌اند.»

مطالبات و خواسته‌های کارگران

اجرای قانون بین‌المللی کار مبنی بر حق تشکیل تشکلات مستقل و حق اعتصاب، سپردن مدیریت اداره کار به کارگران، لغو قراردادهای موقت، افزایش حقوق مطابق با سطح تورم، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و...

کارگر بازنشسته‌ی که از گفتن نامش امتناع می‌کند، می‌گوید: «تمام عمر را در کارخانه کار کرده‌ام و حالا با حقوق بازنشستگی قادر به تأمین مخارج زندگی نیستم، کارفرماها قادر به تأمین اجتماعتی را خریدمانند، باید قانون کار جهانی اجرا شود نه این‌که قانون کار به نام سرما به دار نوشته و اجرا شود هر چند همین قانون کار فعلی هم اجرا نمی‌شود. این‌ها الان به نفع کارفرما عمل می‌کنند. زندگی ما نمی‌گذارد خیلی از خانواده‌ها پاشیده شده و... باید مطابق تورم به ما حقوق بدهند، طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا